



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

فلسفه‌ی جهان وطنی یا بی‌وطنی

جدتان آدم شنیدم ملک جنت را فروخت

که وطن بفروشد اولادش که ننگ و نام نیست

حضرت آدم جد بزرگ دکانداران ادیان ابراهیمی (سامی) مُلک جَنّت را فروخت، چه انتظاری از فرزندانِش که وطنِ خویش را بفروشند!

این سروده را در پوشینه‌ی نخستِ نَبیکِ (کتاب) "مهر جویانِ جهانِ مهر آفرین"، که هفت پوشینه (جلد) است خواندم و بر آن شدم که ویچار (تفسیر) این بند از چامه‌های (سروده‌های) پوشینه‌ی نخست را پیشکشِ شما نمایم تا بدانید فلسفه‌ی جهان‌وطنی یا بی‌وطنی و وطن‌فروشی از کجا برخاسته است.

چَم (معنی) این بند ژرفایشی (دیدگاهی ژرف) دارد و دارایِ شگردِ پیچیده‌ی ادبی و آرایه‌ی ویژه‌ای است که نگارنده‌ی آن، گره‌ها را برای ما باز می‌کند تا چیزی در پشت پرده (لفافه) برای دلالت و دکاندارانِ دین برجا نماند. نخست به چَم این بند می‌پردازیم. به باور دکاندارانِ دین در جهان، ما از تبار آدم و حوا هستیم (در اینجا کاری به درست بودن یا نادرست بودنِ این باور نداریم و به گفته‌ی "ارسطو" ما نگرشِ خود را بر آنچه هست می‌پردازیم نه بر آنچه که باید باشد) و همانگونه که شنیده‌ایم و خوانده‌ایم، حضرت آدم جد بزرگِ بنی‌بشر، نخستین پیامبری بوده که بهشتِ برین را با آن همه زیبایی، که امروزه رویای همه‌ی فرزندان او بازگشت به آنجاست، به شَوندِ



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

(دلیل) سرپیچی از دستورات خدا از دست داد و ادامه‌ی زندگی در بهشت (مُلک جَنّت) را فدای شکمش کرد، با آنکه او در بهشت گرسنه نبود و نیازی به درگیری با خدا را نیز نداشت و اینکه از دیدگاه من (نگارنده‌ی این گزارش) روان و شخصیتِ حضرتِ آدم چیزی بجز وطن‌فروشی نبوده است. او که پیامبر خدا بود و بهشت را فروخت، وای بر فرزندان او که پس از پا گذاشتن به زمین، زندگی را با برادرکشی و تجاوز به خواهرِ خویش آغاز کردند که امروزه کمترین کار آنها وطن‌فروشی است.

آنکه با مادر خود زنا کند، با دیگران چه کند!

جدتان آدم شنیدم مُلک جَنّت را فروخت
گر وطن بفروشد اولادش که نام و ننگ نیست

گر چه این گفته برای بسیاری تنها یک سروده است، اما خردمندان و اندیشه‌پردازان با نگاهی ژرف به فلسفه‌ی این سروده درخواهند یافت که به راستی فرزندان "حضرت آدم" پس‌ماندگان همان کسانی هستند که به خواهر خویش تجاوز کردند و امروزه نیز همان کار را انجام می‌دهند، و به سرزمینی که به آنان بالندگی و رسایی داده، هیچ مِه‌ری ندارند. همانگونه که گفتم اگر بخوایم فرهود و ریشه‌ی سخن را درباره‌ی برخی از سروده‌ها به جای آورم، چند پوشینه نپیک (کتاب) خواهد شد. سخن را کوتاه و شما را به گلگشت در "سرزمین مهر آفرین" می‌برم، خودتان به فراخور نیازتان از این فَرده‌ش (آگاهی‌ها) پیرامون این سروده بهره‌مند شوید.

اگر بهشت جای نیکان است و به باور دکانداران دین، جد آنها "ابوالبشر (آدم)" و "ام‌البشر (حوا)" از بهشت آمده‌اند؟!، جایی که مردمان بدبخت همه‌ی زندگی خود را با بردگی و نخوردن، نپوشیدن، تقلید و تقیه، زهد و ریاضت، کشتن و کشته شدن و امر و



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

نهی سپری می کنند که به آنجا بروند و بهشتی بشوند، پس چرا پدر بزرگ این باورمندان (حضرت آدم) نتوانست یا نخواست در بهشتی بماند که پر از حوری و قلمان و رودهای جاری و حوض کوثر و ... بود؟

شما را به خوانش تاریخ و آگاهی از گذشته‌ی خویش می خوانم که جان سخن به روشنی خورشید بر فرازهای بلند تاریخ هزاران ساله‌ی ایران زمین می درخشد. اگر در ژرفای چم و خم و گویش روشن تاریخ و فرهنگ ایران گشتی بزنید و چنانچه نکته بین باشید، درمی یابید که سرزمین ستیزی و میهن فروشی و پشت بر میهن کردن ویژه‌گی نیاکان دکانداران دین "آدم پیامبر" بوده است و ایدئولوژی‌های فرازمینی هیچ ارزش و گرامی داشتی برای سرزمین در نگر (نظر) ندارند.

در این ایدئولوژیها هماره‌ی (پرستاری) میهن یا سرزمین را کم بها دانسته‌اند تا شکوه و بزرگی فرازمین، آسمان، عرش برین، ملکوت و بهشت، عالم لاهوت و برهوت را به رخ زمین و زمینیان بکشند! و هنگامی که جدشان "حضرت آدم" بهشت را فروخته است، بهشتی که پر از عیش و نوش بوده، بهشتی که در آن نیازی به کار و خویشکاری و دله دزدی نبوده، کلاه برداری و شاید دروغگویی در آن رواج نداشته، برده داری و موالی گری نبوده، نه اربابی و نه رعیتی، نه گناه و نه پادآفره‌ای (پاداشی)، کسی خُشوک (زنازاده) نبوده و سنگسار زناکاران در آن رواج نداشته، و با آن همه فراوانی برای بر خورداری از همه‌ی شادکامی‌ها که در این دنیا حرام است، پس چرا "حضرت آدم" بهای زندگی در بهشت را ندانست؟!

می بینیم که نخستین پیامبر دکانداران دین، بهشت ستیز و وطن فروش می شود! "آدم" با همسرش "حوا" بهشت را به شُوند (دلیل) سرپیچی از فرمان خدا رها کرده و پناهندگان کره خاکی می شوند، سرزمینی که به آنها همه چیز داد، آب و هوا، خانه و



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

کاشانه، و و اینکه این زن و مرد بهشتی تبار نتوانستند چند فرزند پاکیزه تربیت کنند تا همدیگر را نکشند و برادرکشی را یاد آدمیزاد ندهند! به خواهر خود تجاوز نکنند تا تجاوز به ناموس یکدیگر را یاد فرزندان باورمند و پیروان کوردل ادیان ابراهیمی ندهند.

امروزه پس ماندگان سیاه‌پیشه‌ی حضرت آدم که برای تجاوز به خواهر خویش به جان هم افتادند و جنایت را بنیان نهادند، پس از گذشت میلیون‌ها سال هنوز هم برای بازگشت به بهشت بی‌تابی می‌کنند و کسی نیست از این "حضرت آدم" بپرسد، آخر تو که در بهشت بودی و هیچ‌گونه کم و کاستی هم نداشتی، مگر دیوانه بودی که به سخنان خداوند گوش فرا ندادی و با اهریمن هم پیمان شدی؟!!

"حضرت آدم"، پیامبری که جایش در بهشت بود و دور و برش همه حوریان بهشتی بودند و در آنجا از نزدیک با خداوند در پیوند بود، ولی خشنود نبود و دسته گل به آب داد و با خوردن گندم می‌خواست که بهشت را آباد کند، که کرد. پس بسیار آشکار است که فرزندان او چه بلائی می‌خواهند بر سر زمین بیاورند!

بی‌گمان "آدم زاده‌ها" یا به زبان دیگر پیامبرزاده‌ها کمترین کاری که با این زمین می‌کنند، این است که تا چند صد سال دیگر اگر همین گونه و با این شتاب از دانستنی‌های جهان بهره‌مند بشوند، تلاش به نابودی این کره‌ی خاکی خواهند کرد و به دنبال بهشت در طبقه‌ی هفتم آسمان سرگردان خواهند شد.

آیا تاکنون به این نهاده اندیشیده‌اید که چرا نگرش آدم زاده‌ها پیرامون رانده‌شدن پدربزرگشان از بهشت نمی‌گذارد که عشق به سرزمین در وجود آنها رشد کند؟ نداشتن عشق به سرزمین و یا همان اندیشه‌ی جهان‌وطنی و وطن‌فروشی به



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

سرزمین و میهن پرستان گزند می‌رساند، و این پایه‌ی بینش و شیوه‌ی نگرش که باورمندان ادیان ابراهیمی دارند، گونه‌ای ناسپاسی است که هرگز نمی‌گذارد به میهن و سرزمین، پرورشگاه و پرستشگاه خودشان مهر بورزند.

توده‌ای‌های جهان‌وطن، مجاهدین خائن و فرزندان سعدابن‌وقاص، ملی‌مذهبی‌های وطن‌فروش و همه‌ی جهانیان باید بدانند که فرزندان این مرزوبوم تنها به سرنگونی یک دیکتاتور بسنده نخواهند کرد، بلکه طومار یک اندیشه‌ی فاسد را که از ۱۵۰۰ سال پیش تاکنون در میهن ما ریشه افکنده، به زباله‌دان تاریخ خواهند سپرد، کاری که به گذشته‌ی پیشینیان سنگینی می‌کرد ولی زمان انجام آنرا پیدا نکردند.

عشق به میهن را گرامی بدارید که شما از پی‌ماندگان آدم ابوالبشر نیستید.

باد می عشق مهر آفرین کوارای دل و جان و تن و روانتان باد.

پاینده ایران – پایدار و سرافراز باد ملت ایران

دکتر نوشیروان حاتم

جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران

۵ شهریور ۲۵۷۰ شاهنشاهی | ۲۶ آگوست ۲۰۱۱ مسیحی